

تحلیل فقهی و حقوقی خشونت خانگی در نظام حقوق خانواده ایران با تأکید بر حمایت از زنان و کودکان و ضرورت اصلاحات تقنینی و قضایی

مهدی عبدی ابیانه

گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، مرکز کاشان، ایران

چکیده

خشونت خانگی یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق خانواده، حقوق کیفری، سلامت عمومی و سیاست اجتماعی است. این پدیده به ضرب و جرح جسمانی محدود نمی‌شود، بلکه رفتارهای روانی، کلامی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی و دیجیتال را نیز دربرمی‌گیرد؛ رفتارهایی که در بستر روابط نزدیک و همراه با وابستگی عاطفی، مالی یا مراقبتی رخ می‌دهند و می‌توانند امنیت، کرامت و آزادی تصمیم‌گیری قربانی را مختل کنند. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، ظرفیت‌های فقه امامیه و نظام حقوقی ایران را برای پیشگیری و مقابله با خشونت خانگی بررسی می‌کند. در بخش فقهی، اصولی مانند کرامت انسانی، حسن معاشرت، قاعده لاضرر، نفی عسر و حرج، حفظ نفس و حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر تحلیل شده‌اند. در بخش حقوقی نیز مقررات قانون مدنی، قانون حمایت خانواده، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ارزیابی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق ایران ابزارهایی مانند سکونت جداگانه زوجه در صورت خوف ضرر، طلاق به سبب عسر و حرج، حمایت از استقلال مالی زن، رعایت مصلحت کودک و مجازات ضرب و جرح، تهدید و اجبار را در اختیار دارد؛ با این حال، پراکندگی مقررات، فقدان تعریف جامع خشونت خانگی، نبود دستورهای فوری حمایتی، دشواری اثبات، ضعف هماهنگی نهادی و محدودیت خدمات اجتماعی، کارآمدی حمایت‌ها را کاهش داده‌اند. نتیجه پژوهش آن است که فقه امامیه ظرفیت لازم برای توسعه حمایت‌های پیشگیرانه و قضایی را دارد. تصویب قانون جامع، ایجاد دستورهای منع تماس و نزدیک شدن، تخصصی‌سازی رسیدگی‌ها، اصلاح نظام ادله، تقویت حمایت اقتصادی و توجه ویژه به کودکان، مهم‌ترین اصلاحات پیشنهادی هستند.

کلیدواژه: خشونت خانگی، حقوق خانواده، فقه امامیه، خشونت علیه زنان، حمایت از کودکان، عسر و حرج، دستور حمایتی

۱. مقدمه

خانواده در فرهنگ ایرانی، فقه اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود. بسیاری از نیازهای عاطفی، اقتصادی، تربیتی و حمایتی افراد در محیط خانواده تأمین می‌شود و شخصیت اجتماعی کودکان نیز تا حد زیادی در همین محیط شکل می‌گیرد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خانواده را واحد بنیادی جامعه دانسته و دولت را مکلف کرده است از تشکیل، استحکام و کارکرد صحیح آن حمایت کند. باین‌حال، حمایت از خانواده را نمی‌توان صرفاً به استمرار ظاهری نکاح، کاهش آمار طلاق یا جلوگیری از مداخله نهادهای عمومی در محیط خانه محدود کرد. خانواده زمانی از حمایت واقعی برخوردار است که امنیت جسمانی و روانی، کرامت انسانی و حقوق مالی و شخصیتی اعضای آن تضمین شده باشد. خشونت خانگی یکی از جدی‌ترین عوامل فروپاشی کارکردهای خانواده است. خشونت ممکن است میان زن و شوهر، والدین و فرزندان، سرپرست و کودک، فرزندان بزرگسال و والدین سالمند یا دیگر اعضای یک خانواده رخ دهد. با وجود این، بخش مهمی از مطالعات داخلی و بین‌المللی بر خشونت مردان علیه زنان در روابط زناشویی متمرکز شده است؛ زیرا نابرابری در دسترسی به منابع مالی، قدرت تصمیم‌گیری، حمایت اجتماعی و امکان خروج از رابطه، زنان را در بسیاری از جوامع در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌دهد.

سازمان جهانی بهداشت، خشونت شریک عاطفی را رفتاری از سوی شریک فعلی یا سابق می‌داند که موجب آسیب جسمانی، جنسی یا روانی شود و تهاجم جسمانی، اجبار جنسی، سوءرفتار روانی و رفتارهای کنترل‌گرانه را دربرگیرد. برآوردهای جهانی این سازمان نشان می‌دهد نزدیک به یک‌سوم زنان جهان در طول زندگی خود نوعی خشونت جسمانی یا جنسی از سوی شریک عاطفی یا فردی غیر از شریک را تجربه کرده‌اند. گزارش سال ۲۰۲۵ سازمان جهانی بهداشت، با استفاده از داده‌های مطالعات و پیمایش‌های انجام‌شده بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۳، حدود ۸۴۰ میلیون زن را در این گروه قرار می‌دهد. این ارقام به دلیل گزارش‌نشدن بسیاری از موارد، احتمالاً همه ابعاد مسئله را منعکس نمی‌کنند. درباره شیوع دقیق خشونت خانگی در ایران نمی‌توان یک عدد قطعی و بدون قید ارائه کرد. مطالعات ایرانی از تعریف‌ها، پرسش‌نامه‌ها، نمونه‌های آماری و مناطق جغرافیایی متفاوت استفاده کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها تنها خشونت جسمانی را سنجیده‌اند، درحالی‌که برخی دیگر خشونت روانی، جنسی و اقتصادی را نیز در تعریف خود گنجانده‌اند. فراتحلیل حاج‌نصیری و همکاران، تفاوت قابل‌توجهی میان نتایج مطالعات ایرانی نشان داد و بر شیوع گسترده خشونت خانگی تأکید کرد؛ باین‌حال، ناهمگنی مطالعات، تعمیم یک عدد واحد به کل جامعه ایران را با محدودیت مواجه می‌کند.

مطالعات جدیدتر نیز نشان می‌دهند عوامل مؤثر بر خشونت خانگی را نمی‌توان فقط به ویژگی‌های فردی مرتکب یا قربانی تقلیل داد. مرور دامنه‌ای منظوری و همکاران، عوامل مرتبط با خشونت علیه زنان در ایران را در شش دسته کلی فردی، اجتماعی، روان‌شناختی، مرتبط با بارداری، اقتصادی و فرهنگی طبقه‌بندی کرده است. این یافته نشان می‌دهد که خشونت خانگی پدیده‌ای چندسطحی است و پاسخ به آن باید ترکیبی از اصلاح حقوقی، حمایت اجتماعی، آموزش، خدمات سلامت و توانمندسازی اقتصادی باشد.

یکی از دشواری‌های اساسی آن است که خشونت خانگی غالباً در محیط خصوصی و بدون حضور شاهد مستقیم رخ می‌دهد. قربانی نیز ممکن است به دلیل وابستگی مالی، نگرانی درباره فرزندان، ترس از انتقام، فشار خویشاوندان، انگ اجتماعی یا نبود محل امن، از گزارش خشونت خودداری کند. پژوهش کیفی دباغ فکری و همکاران درباره زنان مراجعه‌کننده به پزشکی قانونی اردبیل، موانع

کمک‌خواهی را در سه دسته کلی موانع ساختاری و اقتصادی توانمندسازی، ناکارآمدی برخی ارائه‌دهندگان حمایت و تلاش قربانیان برای حفظ خانواده طبقه‌بندی کرد. این پژوهش نشان می‌دهد که خودداری از مراجعه رسمی الزاماً به معنای نبود خشونت یا رضایت قربانی نیست. نظام حقوقی در برابر خشونت خانگی با یک دوگانگی ظاهری روبه‌رو است: از یک سو باید از حریم خانواده و امکان حل اختلافات از طریق گفت‌وگو و سازش حمایت کند و از سوی دیگر نباید حریم خصوصی را به پوششی برای تداوم رفتار زبان‌بار تبدیل سازد. حفظ خانواده زمانی ارزش حقوقی و اخلاقی دارد که روابط درون آن بر احترام، امنیت و مسئولیت متقابل استوار باشد. استمرار رابطه‌ای که یکی از اعضای آن تحت ترس، تحقیر و اجبار زندگی می‌کند، به‌تنهایی نمی‌تواند نشانه موفقیت سیاست حمایت از خانواده باشد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که حقوق ایران تا چه اندازه می‌تواند خشونت خانگی را شناسایی، متوقف و جبران کند. پرسش فرعی آن است که آیا مبانی فقه امامیه ظرفیت لازم برای توسعه اقدامات حمایتی و پیشگیرانه را دارند. فرضیه پژوهش آن است که حقوق ایران دارای ابزارهای مهم اما پراکنده است و مشکل اصلی نه فقدان مطلق حمایت، بلکه نبود یک نظام منسجم، فوری و چندنهادی است.

۲. پیشینه پژوهش و خلأ مطالعاتی

خشونت خانگی در ایران از منظر پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مامایی و بهداشت عمومی بررسی شده است. مطالعات اولیه بیشتر بر سنجش شیوع انواع خشونت یا شناسایی عوامل فردی و خانوادگی تمرکز داشتند. در سال‌های بعد، پژوهش‌های کیفی به تجربه زیسته زنان، آثار روانی خشونت و موانع مراجعه به نهادهای حمایتی توجه بیشتری نشان دادند. تهرکانی و همکاران در مطالعه کیفی خود، تجربه زنان ایرانی از خشونت شریک عاطفی را در قالب خشونت آشکار و خشونت پنهان یا غفلت تحلیل کردند. یافته‌های آنان نشان داد که خشونت عاطفی و غفلت ممکن است فراوان‌تر از خشونت آشکار باشند، اما به دلیل نامرئی بودن، کمتر شناسایی می‌شوند. زنان ممکن است سال‌ها رفتارهای تحقیرآمیز، طرد عاطفی و محدودیت‌های روانی را تحمل کنند، بدون اینکه خود یا اطرافیان آن رفتارها را خشونت تلقی کنند.

حاج‌نصیری و همکاران در مرور نظام‌مند و فراتحلیل مطالعات ایرانی، بر پراکندگی نتایج و شیوع قابل‌توجه خشونت تأکید کردند. اهمیت این پژوهش در آن است که نشان می‌دهد تفاوت‌های منطقه‌ای، تعریف‌های متفاوت خشونت و ابزارهای اندازه‌گیری، مقایسه مستقیم نتایج را دشوار می‌کنند. در حوزه بارداری، رضیانی و همکاران با بررسی مطالعات ایرانی، میزان تجمیعی خشونت شریک عاطفی علیه زنان باردار را ۵۱٫۵ درصد گزارش کردند. در همان مطالعه، خشونت روانی بیش از خشونت جسمانی و جنسی گزارش شد. این یافته‌ها نباید بدون توجه به ناهمگنی مطالعات به تمام زنان باردار ایران تعمیم داده شوند، اما اهمیت غربالگری و حمایت از زنان باردار را نشان می‌دهند.

غفاری‌حسینی و همکاران نیز روند دو دهه تلاش برای ایجاد حمایت از قربانیان خشونت خانگی در ایران را بررسی کرده و بر ضرورت توسعه خدمات مشاوره‌ای، اجتماعی و حمایتی تأکید کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که پاسخ به خشونت خانگی صرفاً از طریق جرم‌انگاری امکان‌پذیر نیست و باید شبکه‌ای از خدمات حقوقی، سلامت و رفاهی ایجاد شود. با وجود ارزش این مطالعات، بخش عمده ادبیات داخلی از منظر سلامت یا علوم اجتماعی تدوین شده است. پژوهش‌های حقوقی نیز غالباً به بررسی یک ماده خاص، مانند عسر و حرج یا ضمانت اجرای ضرب‌وجرح، محدود شده‌اند. خلأ اصلی، فقدان تحلیلی یکپارچه است که مبانی فقهی،

حقوق مدنی، حقوق کیفری، آیین دادرسی، حمایت از کودکان و خدمات اجتماعی را در یک چارچوب هماهنگ بررسی کند. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که خشونت خانگی را نه صرفاً یک جرم منفرد یا علت طلاق، بلکه یک وضعیت حقوقی چندلایه تحلیل می‌کند. در این رویکرد، پایان دادن به خشونت مستلزم ترکیب اقدامات فوری حفاظتی، رسیدگی مدنی، تعقیب کیفری، حمایت اقتصادی، مداخله کودک‌محور و بازتوانی مرتکب است.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسناد و منابع کتابخانه‌ای است. در بخش حقوق داخلی، قانون اساسی، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و مقررات اجرایی مرتبط بررسی شده‌اند. در بخش فقهی، آیات قرآن کریم و قواعد عمومی فقه امامیه، از جمله کرامت انسان، حسن معاشرت، لاضرر، نفی عسر و حرج، حرمت ایذاء و لزوم حفظ نفس تحلیل شده‌اند. هدف این بخش، استخراج حکم جدید برخلاف نصوص نیست؛ بلکه تبیین ظرفیت اصول موجود برای حمایت پیشگیرانه و جبران آسیب است. در بخش مطالعات اجتماعی و سلامت، از گزارش‌های سازمان جهانی بهداشت و پژوهش‌های علمی معتبر درباره خشونت خانگی در ایران استفاده شده است. با توجه به تفاوت تعریف‌ها و روش‌های مطالعات، آمارها به‌عنوان نشانه اهمیت مسئله و نه اندازه قطعی و نهایی آن ارائه می‌شوند.

۴. مفهوم‌شناسی و عناصر خشونت خانگی

۴-۱. تعریف پیشنهادی

خشونت خانگی را می‌توان هر فعل یا ترک فعل عمدی یا آگاهانه‌ای دانست که در چهارچوب رابطه زناشویی، خانوادگی، خویشاوندی نزدیک، سرپرستی یا مراقبتی واقع شود و موجب آسیب جسمانی، روانی، جنسی، اقتصادی یا اجتماعی گردد یا قربانی را در معرض خوف معقول و قابل‌اعتنای چنین آسیبی قرار دهد. بر اساس این تعریف، سه عنصر اساسی وجود دارد. نخست، وجود رابطه خانوادگی یا نزدیک میان مرتکب و قربانی است. دوم، رفتار زیان‌بار یا ایجاد خطر قابل‌اعتناست. سوم، وجود عمد، آگاهی یا دست‌کم قابلیت انتساب رفتار به مرتکب است. اصطلاح «خانگی» به محل وقوع رفتار محدود نمی‌شود. چنانچه همسر سابق پس از جدایی، قربانی را در محل کار یا فضای مجازی تعقیب و تهدید کند، رفتار او می‌تواند ادامه خشونت باشد که منشأ آن رابطه خانوادگی پیشین است.

۴-۲. تمایز خشونت از اختلاف خانوادگی

هر اختلاف، مشاجره یا رفتار نامناسبی را نمی‌توان خشونت خانگی دانست. اختلاف نظر درباره محل زندگی، تربیت فرزند یا مدیریت هزینه‌ها بخشی از واقعیت روابط خانوادگی است. مداخله حقوق کیفری باید به مواردی محدود شود که زور، تهدید، اجبار، تحقیر شدید، آسیب یا الگوی سلطه وجود دارد. برای تمایز خشونت از اختلاف عادی می‌توان معیارهایی مانند شدت رفتار، تکرار، عدم توازن قدرت، ایجاد ترس، سوءاستفاده از وابستگی، آسیب بالفعل یا خطر جدی آسیب، ممانعت از تصمیم‌گیری آزادانه و کنترل مستمر را در نظر گرفت. این تمایز از دو جهت ضروری است. تعریف بسیار محدود، قربانیان خشونت روانی و اقتصادی را بدون

حمایت می‌گذارد؛ تعریف بیش از اندازه گسترده نیز ممکن است هر تعارض خانوادگی را به پرونده کیفری تبدیل کند و اصل تناسب را نقض نماید.

۴-۳. خشونت به عنوان رفتار منفرد و الگوی مستمر

خشونت خانگی گاهی در یک واقعه شدید، مانند ضرب و جرح سنگین یا تهدید به قتل، ظاهر می‌شود. در موارد دیگر، مجموعه‌ای از رفتارهای کم‌شدت اما مستمر، قربانی را تحت سلطه قرار می‌دهد. برای مثال، کنترل پول، نظارت بر تماس‌ها، تحقیر، تهدید ضمنی و محدود کردن رفت‌وآمد ممکن است در کنار هم، آزادی و امنیت قربانی را به شدت محدود کنند. حقوق کیفری سنتی بیشتر بر واقعه منفرد تمرکز دارد. در مقابل، مفهوم «کنترل قهری» بر الگوی رفتار و اثر تجمعی آن تأکید می‌کند. پذیرش این مفهوم به معنای جرم‌انگاری هر اختلاف نیست؛ بلکه به مرجع رسیدگی اجازه می‌دهد رفتارها را در زمینه کلی رابطه ارزیابی کند.

۵. انواع خشونت خانگی

۵-۱. خشونت جسمانی

خشونت جسمانی شامل ضرب و جرح، هل دادن، لگد زدن، سوزاندن، خفه کردن، مسموم کردن، محرومیت عمدی از دارو، حبس کردن و استفاده از ابزار یا سلاح است. شدت آن ممکن است از صدمات سطحی تا نقص عضو و قتل متفاوت باشد. در حقوق ایران، رابطه زوجیت یا خویشاوندی مانع مسئولیت کیفری نیست. ایراد صدمه عمدی ممکن است حسب شرایط، موجب قصاص، دیه، ارض یا مجازات تعزیری شود. ماده ۶۱۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی برخی موارد ضرب و جرح عمدی شدید را که موجب نقص یا شکستگی عضو، بیماری دائمی، فقدان حواس یا زوال عقل می‌شوند، در صورت تحقق شرایط مقرر، مستوجب مجازات تعزیری می‌داند (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۵، ماده ۶۱۴). تمرکز صرف بر صدمات شدید، خطر تکرار رفتارهای ظاهراً جزئی را نادیده می‌گیرد. تکرار سیلی، هل دادن یا گرفتن گلوئ قربانی ممکن است در هر نوبت آثار پزشکی محدودی ایجاد کند، اما می‌تواند نشانه احتمال تشدید خشونت باشد. حمایت پیشگیرانه باید پیش از وقوع صدمه جبران‌ناپذیر امکان‌پذیر باشد.

۵-۲. خشونت روانی و کلامی

خشونت روانی شامل تهدید، ارعاب، تحقیر مداوم، منزوی کردن، کنترل روابط اجتماعی، تهدید به گرفتن فرزند، تهدید به افشای اطلاعات خصوصی و ایجاد احساس بی‌ارزشی است. این خشونت ممکن است بدون برجای گذاشتن اثر جسمانی، سلامت روان و توانایی تصمیم‌گیری قربانی را تضعیف کند. ماده ۶۶۹ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، تهدید به قتل یا وارد کردن ضررهای نفسی، شرفی و مالی یا افشای راز را جرم می‌داند. اجبار دیگری به ارائه نوشته، امضا یا سند از طریق تهدید نیز ممکن است مشمول ماده ۶۶۸ باشد. این مقررات در محیط خانواده نیز قابل اعمال‌اند و زوجیت، مجوز تهدید یا اجبار نیست. باین‌حال، رفتارهایی مانند تحقیر روزانه، سکوت تنبیهی، محدودیت ارتباطی و تهدیدهای غیرصریح ممکن است عناصر عنوان کیفری مشخصی را به‌تنهایی نداشته باشند. پژوهش‌های تهرکانی و همکاران نشان داد خشونت پنهان و غفلت عاطفی در تجربه برخی زنان ایرانی اهمیت زیادی دارند، اما شناسایی و اثبات آنها دشوارتر است.

۳-۵. خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی عبارت است از استفاده عامدانه از پول، درآمد، اموال، نفقه، اشتغال یا بدهی برای اعمال کنترل بر عضو خانواده. تصاحب اجباری درآمد زن، محروم کردن عامدانه خانواده از نیازهای ضروری با وجود توانایی مالی، وادار کردن قربانی به امضای اسناد مالی، تخریب اموال شخصی و جلوگیری از دسترسی او به مدارک و حساب‌های بانکی می‌توانند از مصادیق آن باشند. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی استقلال مالی زن را به رسمیت می‌شناسد و به او اجازه می‌دهد در دارایی خود هر تصرف قانونی انجام دهد. همچنین، بر اساس ماده ۱۱۰۶، در نکاح دائم پرداخت نفقه زن بر عهده شوهر است. بنابراین، شوهر مالک درآمد یا اموال زن نیست و نمی‌تواند رابطه زوجیت را مبنای تصرف بدون رضایت قرار دهد (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۰۷، مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۱۸). باید میان خشونت اقتصادی و ناتوانی واقعی مالی تفاوت گذاشت. بیکاری غیرارادی یا فقر به‌خودی‌خود خشونت نیست. توانایی مالی مرتکب، هدف رفتار، تکرار محرومیت، تصاحب منابع قربانی و استفاده از پول برای وادار کردن او به رفتار خاص، در تشخیص اهمیت دارند.

۴-۵. خشونت جنسی

خشونت جنسی شامل تحمیل رفتار جنسی با زور، تهدید، اجبار، سوءاستفاده از آسیب‌پذیری و تعرض جنسی به کودکان است. این موضوع در روابط زناشویی از نظر فقهی و حقوقی حساس است؛ زیرا نکاح حقوق و تکالیفی برای زوجین ایجاد می‌کند. بااین‌حال، هیچ حق زناشویی را نمی‌توان مجوز ایراد صدمه بدنی، تهدید، رفتار خطرناک یا نقض شدید کرامت انسانی دانست. قاعده لاضرر و الزام به حسن معاشرت بر تمام روابط زوجین حاکم است. در نظام فعلی ایران، عنوانی جامع برای همه اشکال خشونت جنسی در روابط زناشویی وجود ندارد و قربانی ممکن است ناچار باشد حسب مورد از قواعد مربوط به صدمه بدنی، تهدید، اجبار یا عسر و حرج استفاده کند. در زمینه کودکان، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، آزار جنسی تماسی و غیرتماسی، بهره‌کشی جنسی و استفاده از طفل یا نوجوان در فعالیت‌های جنسی را مورد توجه قرار داده است. این قانون ابزار روشن‌تری برای مداخله در خشونت جنسی علیه کودکان فراهم می‌کند.

۵-۵. خشونت اجتماعی

خشونت اجتماعی به رفتارهایی گفته می‌شود که هدف یا نتیجه آنها منزوی ساختن قربانی و قطع شبکه‌های حمایتی اوست. منع غیرموجه ارتباط با خانواده، جلوگیری از رفت‌وآمد، محروم کردن از تحصیل، کنترل ارتباطات و تهدید دوستان و خویشاوندان می‌تواند در این دسته قرار گیرد. محدود شدن شبکه‌های اجتماعی، وابستگی قربانی به مرتکب را افزایش می‌دهد. شخصی که هیچ ارتباط امن، درآمد مستقل یا محل جایگزینی ندارد، ممکن است حتی در صورت وقوع خشونت شدید نیز نتواند رابطه را ترک کند.

۶-۵. خشونت دیجیتال

خشونت دیجیتال شامل کنترل حساب‌های کاربری، دسترسی غیرمجاز به پیام‌ها، ردیابی موقعیت مکانی، نصب نرم‌افزارهای جاسوسی، جعل هویت، تهدید به انتشار تصاویر خصوصی و محدود کردن دسترسی به بانکداری الکترونیکی است. برخی از این رفتارها ممکن است تحت قوانین جرایم رایانه‌ای، تهدید، دسترسی غیرمجاز یا هتک حیثیت قابل پیگیری باشند. بااین‌حال، بررسی

جداگانه آنها ممکن است رابطه‌شان با الگوی کنترل خانوادگی را پنهان سازد. قانون جامع باید خشونت تسهیل‌شده از طریق فناوری را به‌صراحت شناسایی کند.

۶. مبانی فقهی مقابله با خشونت خانگی

۱-۶. کرامت انسانی

قرآن کریم در آیه ۷۰ سوره اسراء از تکریم بنی‌آدم سخن می‌گوید. کرامت انسانی به جنسیت، جایگاه خانوادگی یا میزان درآمد وابسته نیست. زن، مرد، کودک و سالمند از حیث انسان بودن دارای حرمت و شخصیت‌اند. خشونت خانگی علاوه بر جسم، شخصیت و اراده قربانی را هدف قرار می‌دهد. تحقیر مستمر، اجبار، تهدید و محروم کردن فرد از تصمیم‌گیری آزادانه با اصل کرامت ناسازگار است. در نتیجه، حمایت از قربانی را نباید اقدامی علیه خانواده دانست؛ بلکه این حمایت برای حفظ حداقل شرایط اخلاقی خانواده ضروری است.

۲-۶. حسن معاشرت و مودت

آیه ۱۹ سوره نساء، معاشرت شایسته با زنان را مورد تأکید قرار می‌دهد. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز زوجین را مکلف به حسن معاشرت کرده و ماده ۱۱۰۴ آنان را به همکاری در استحکام خانواده و تربیت فرزندان موظف می‌سازد (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۰۷، مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴). حسن معاشرت را نباید توصیه‌ای اخلاقی و فاقد اثر حقوقی تلقی کرد. این اصل می‌تواند معیاری برای تفسیر وظایف زوجین، تشخیص سوءرفتار و احراز عسر و حرج باشد. ضرب و جرح، تهدید، تحقیر و کنترل زیان‌بار با حسن معاشرت سازگار نیستند. آیه ۲۱ سوره روم نیز نکاح را با مفاهیم آرامش، مودت و رحمت پیوند می‌دهد. خانواده‌ای که در آن ترس جایگزین آرامش و خشونت جایگزین مودت شده است، از فلسفه اصلی رابطه زن‌شویی فاصله گرفته است.

۳-۶. قاعده لاضرر

قاعده «لاضرر و لاضرار» از قواعد مهم فقه امامیه است. بر مبنای این قاعده، اشخاص نمی‌توانند حق یا موقعیت قانونی خود را وسیله ورود زیان نامشروع به دیگری قرار دهند. ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی بازتابی از این منطق است. هرگاه بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی، مالی یا شرافتی باشد، زن می‌تواند محل سکونت جداگانه اختیار کند. در صورت اثبات خوف ضرر، دادگاه نمی‌تواند او را به بازگشت مجبور کند و حق نفقه نیز در مدت وجود عذر قانونی باقی می‌ماند (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۰۷، ماده ۱۱۱۵). اهمیت این ماده در آن است که حمایت را به وقوع قطعی آسیب شدید موکول نکرده است. «خوف ضرر» نشان می‌دهد که پیشگیری از آسیب نیز در منطق حقوق خانواده ایران قابل پذیرش است. همین مبنا می‌تواند برای طراحی دستورهای حمایتی فوری به کار رود.

۴-۶. نفی عسر و حرج

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زن اجازه می‌دهد در صورت ایجاد عسر و حرج، از دادگاه درخواست طلاق کند. عسر و حرج وضعیتی است که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت شدید و تحمل‌ناپذیر همراه سازد. ضرب و شتم یا سوءرفتار مستمر زوج که عرفاً

قابل تحمل نباشد، از مصادیق قانونی عسر و حرج است (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۰۷، ماده ۱۱۳۰). این ماده ظرفیت مهمی برای پایان دادن به نکاح خشونت‌آمیز دارد، اما طلاق راهکاری نهایی است. قربانی ممکن است در فاصله ثبت دادخواست تا صدور رأی در معرض تهدید باشد. بنابراین، عسر و حرج باید با اقدامات فوری حمایتی تکمیل شود.

۵-۶. حرمت ایذاء و تعدی

ایذاء و آزار مؤمن و تجاوز به جان و مال دیگری در فقه اسلامی ممنوع است. رابطه زوجیت یا ولایت خانوادگی موجب زوال حرمت جان، مال و حیثیت اشخاص نمی‌شود. هیچ‌کس نمی‌تواند با استناد به ریاست خانواده یا حق تربیت، رفتار زیان‌بار و نامتناسب را توجیه کند. اختیارات والدین نیز مقید به مصلحت کودک‌اند. تربیت را نمی‌توان معادل تنبیه خشونت‌آمیز دانست. هر رفتاری که سلامت جسمانی یا روانی کودک را در معرض خطر قرار دهد، از قلمرو اختیار مشروع خارج می‌شود.

۶-۶. حفظ نفس و پیشگیری از خطر

حفظ جان و تمامیت جسمانی از اهداف اساسی شریعت است. هنگامی که نشانه‌های جدی مانند تهدید به قتل، خفه کردن، دسترسی به سلاح، تعقیب مستمر یا افزایش شدت خشونت وجود دارد، مداخله پیشگیرانه با اصل حفظ نفس سازگار است. نظام حقوقی نباید قربانی را مجبور کند تا پیش از دریافت حمایت، صدمه‌ای شدید و قطعی را تحمل کند. ارزیابی خطر، دستور منع تماس و خروج موقت مرتکب از منزل می‌توانند بر مبنای پیشگیری از ضرر و حفظ نفس توجیه شوند.

۷. ظرفیت‌ها و محدودیت‌های قوانین ایران

۱-۷. قانون اساسی

اصل بیستم قانون اساسی، زن و مرد را در حمایت قانون قرار داده و اصل بیست‌ویکم، دولت را مکلف به تضمین حقوق زنان با رعایت موازین اسلامی کرده است. اصل بیست‌ودوم نیز حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از تعرض مصون می‌داند. حمایت مقرر در این اصول به فضای عمومی محدود نیست. اعضای خانواده نیز حق تعرض به جان، مال یا حیثیت یکدیگر را ندارند. تفسیر هماهنگ اصول قانون اساسی اقتضا می‌کند که حمایت از نهاد خانواده با حمایت از اعضای آن همراه باشد.

۲-۷. قانون مدنی

قانون مدنی ابزارهای متعددی برای حمایت از قربانی خشونت دارد. مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴، حسن معاشرت و همکاری زوجین را مقرر می‌کنند. ماده ۱۱۱۵ امکان سکونت جداگانه در صورت خوف ضرر را فراهم می‌سازد. ماده ۱۱۳۰، طلاق به دلیل عسر و حرج را به رسمیت می‌شناسد. مواد مربوط به نفقه نیز می‌توانند در برابر محرومیت اقتصادی به کار گرفته شوند. ماده ۱۱۱۹ اجازه می‌دهد زوجین شروطی را که مخالف مقتضای عقد نباشند در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر درج کنند. شروط مربوط به وکالت در طلاق در صورت سوءرفتار، ترک انفاق، غیبت یا تحقق شرایط پیش‌بینی‌شده می‌توانند دسترسی زن به راهکار حقوقی را تسهیل کنند. با این حال، درج شرط جایگزین حمایت قانونی عمومی نیست؛ زیرا همه زنان از آگاهی یا قدرت مذاکره یکسان هنگام عقد برخوردار نیستند. در حوزه کودک‌ان، ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی مقرر می‌کند اگر سلامت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل بر اثر عدم

مواظبت یا انحطاط اخلاقی والد دارای حضانت در معرض خطر قرار گیرد، دادگاه می‌تواند تصمیم مقتضی اتخاذ کند. اعتیاد زبان‌آور، فساد اخلاقی، بیماری روانی با تشخیص پزشکی قانونی و تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف از مصادیق ذکر شده در این ماده‌اند. محدودیت اصلی قانون مدنی آن است که راهکارهای آن بیشتر از طریق دعوای حقوقی و پس از ارائه دلیل اعمال می‌شوند. قربانی خشونت ممکن است به مداخله‌ای در چند ساعت نخست نیاز داشته باشد، درحالی‌که رسیدگی به دعوای عسر و حرج یا حضانت زمان‌بر است.

۳-۷. قانون حمایت خانواده

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، تشکیل دادگاه‌های تخصصی خانواده را پیش‌بینی کرده و موضوعاتی مانند نکاح، طلاق، نفقه، حضانت، ملاقات و ولایت را در صلاحیت این دادگاه‌ها قرار داده است. ماده ۴۵ قانون نیز رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان را در تمام تصمیم‌های قضایی و اجرایی الزامی می‌داند. ماده ۵ قانون حمایت خانواده امکان معافیت اشخاص فاقد توان مالی از هزینه دادرسی و تعیین وکیل معاضدتی را فراهم می‌کند. این ظرفیت برای قربانیانی که از نظر مالی به مرتکب وابسته‌اند اهمیت دارد. ماده ۷ نیز به دادگاه اجازه می‌دهد پیش از تصمیم نهایی، در امور فوری مانند حضانت، ملاقات و نفقه، دستور موقت صادر کند. با این حال، این ماده مجموعه کاملی از دستورهای حمایتی ویژه خشونت خانگی، مانند منع تماس، منع نزدیک شدن و خروج موقت مرتکب از منزل، ارائه نمی‌کند.

۴-۷. قانون مجازات اسلامی

قتل، ضرب و جرح، تهدید، تخریب مال، حبس غیرقانونی و اجبار در محیط خانواده نیز مشمول مقررات کیفری‌اند. زوجیت یا خویشاوندی سبب مباح شدن این رفتارها نمی‌شود. مشکل آن است که حقوق کیفری عمومی، رفتارها را غالباً به صورت حوادث جداگانه بررسی می‌کند. در یک رابطه خشونت‌آمیز ممکن است تهدید، کنترل اقتصادی، تخریب اموال و ضرب و جرح در فاصله‌های زمانی مختلف رخ دهند. رسیدگی جداگانه به هر واقعه ممکن است الگوی کلی سلطه و افزایش خطر را آشکار نکند. موضوع گذشت قربانی نیز در این زمینه اهمیت دارد. در برخی جرایم، گذشت می‌تواند بر ادامه تعقیب یا اجرای مجازات اثر بگذارد. اما در روابط خانوادگی، گذشت ممکن است ناشی از تهدید، فشار خویشاوندان، نگرانی درباره فرزندان یا وابستگی مالی باشد. مرجع قضایی باید تا حد امکان اطمینان حاصل کند که گذشت آزادانه و آگاهانه صورت گرفته است.

۵-۷. قانون آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری، شخص متحمل ضرر از جرم را بزه‌دیده می‌داند و امکان طرح شکایت و مطالبه خسارت را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، حمایت مؤثر از قربانی خشونت خانگی صرفاً با شناسایی عنوان بزه‌دیده تحقق نمی‌یابد. قربانی ممکن است به مصاحبه محرمانه، معاینه پزشکی فوری، حفاظت از نشانی، وکیل، مددکار اجتماعی و جلوگیری از مواجهه غیرضروری با متهم نیاز داشته باشد. همچنین، تکرار بیان تجربه خشونت در کلانتری، پزشکی قانونی، دادسرا، دادگاه کیفری و دادگاه خانواده می‌تواند موجب بازآزاری روانی شود. ایجاد پرونده هماهنگ، ثبت دقیق سوابق و دسترسی کنترل‌شده مراجع مرتبط به اطلاعات ضروری می‌تواند ضمن حفظ محرمانگی، از تکرار غیرضروری تحقیقات جلوگیری کند.

۶-۷. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مفهوم وضعیت مخاطره‌آمیز را توسعه داده و برای سازمان بهزیستی، ضابطان، دادستان و دیگر نهادها وظایفی پیش‌بینی کرده است. قانون همچنین انواع آزار، بهره‌کشی و سوءاستفاده جنسی از کودکان را مورد توجه قرار داده است. ماده ۱۷ این قانون، خودداری از گزارش جرم یا خطر شدید و قریب‌الوقوع علیه طفل یا نوجوان را در شرایط مقرر قابل مجازات می‌داند. محرمانگی هویت گزارش‌دهنده نیز مورد حمایت قرار گرفته است. این رویکرد نشان می‌دهد که حریم خصوصی خانواده نمی‌تواند مانع مداخله در وضعیت خطرناک کودک باشد. ماده ۴۶ قانون، اولویت را به اقداماتی می‌دهد که در صورت امکان موجب خروج کودک از خانواده یا قطع ارتباط او با خانواده نشوند. این حکم نشان‌دهنده رویکرد متعادل قانون است: حمایت از کودک باید جدی باشد، اما جدایی از خانواده فقط در صورت ضرورت انجام شود. اجرای مؤثر این قانون به مددکار اجتماعی، روان‌شناس کودک، ضابط آموزش‌دیده و مراکز امن نیاز دارد. آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون نیز نقش نهادهای مختلف در شناسایی و حمایت از کودکان در معرض خطر را مشخص کرده است.

۸. خشونت خانگی و قواعد اثبات

۸-۱. دشواری اثبات در فضای خصوصی

خشونت خانگی معمولاً در محیطی رخ می‌دهد که شاهد مستقلی حضور ندارد. اصرار بر ارائه شاهد عینی در همه موارد می‌تواند قربانی را از حمایت محروم کند. بسیاری از قربانیان نیز بلافاصله پس از نخستین واقعه شکایت نمی‌کنند و ممکن است اسناد پزشکی یا گزارش رسمی نداشته باشند. مرجع قضایی باید مجموعه قرائن را ارزیابی کند، نه اینکه هر دلیل را به‌صورت منفرد بسنجد. گزارش پزشکی قانونی، تصاویر صدمات، پیام‌های تهدیدآمیز، صدای ضبط‌شده مطابق قوانین، گزارش پلیس، سوابق تماس اضطراری، خسارت به اموال و شهادت اشخاصی که وضعیت قربانی را پس از حادثه مشاهده کرده‌اند، می‌توانند در کنار یکدیگر مؤثر باشند.

۸-۲. تفاوت معیار اثبات کیفری و حمایت موقت

استاندارد لازم برای محکومیت کیفری باید بالا باشد؛ زیرا محکومیت با سلب آزادی، مجازات و آثار اجتماعی همراه است. اصل براءة و حق دفاع متهم باید رعایت شود. اما دستور حمایتی موقت مجازات کیفری نیست. هدف آن پیشگیری از خطر تا زمان بررسی کامل است. بنابراین، معیار صدور آن می‌تواند بر وجود خطر معقول و قرائن قابل‌اعتنا استوار باشد. پس از صدور دستور اولیه، باید در کوتاه‌ترین زمان جلسه‌ای با امکان دفاع طرفین تشکیل شود.

۸-۳. ادله دیجیتال

پیامک‌ها، پیام‌های شبکه‌های اجتماعی، ایمیل، تصاویر و داده‌های مربوط به تماس‌ها می‌توانند در اثبات تهدید و تعقیب مؤثر باشند. بااین‌حال، اصالت داده، روش تحصیل و امکان انتساب آن به شخص باید بررسی شود. قربانی نباید برای جمع‌آوری دلیل به ارتکاب رفتار غیرقانونی، مانند دسترسی غیرمجاز به حساب‌های دیگری، تشویق شود. آموزش عمومی درباره شیوه قانونی حفظ پیام‌ها و ارائه آنها به پلیس و دادگاه ضروری است.

۴-۸. گزارش پزشکی و روان‌شناختی

گزارش پزشکی قانونی در اثبات صدمات جسمانی اهمیت دارد، اما نبود صدمه جسمانی به معنای نبود خشونت نیست. خشونت روانی ممکن است نیازمند ارزیابی روان‌شناختی یا روان‌پزشکی باشد. گزارش متخصص باید بر مشاهده و روش علمی استوار باشد و نباید جایگزین تصمیم قضایی شود. کارشناس آثار روانی را ارزیابی می‌کند و دادگاه درباره انتساب رفتار و مسئولیت حقوقی تصمیم می‌گیرد.

۹. آثار خشونت بر دعاوی خانواده

۹-۱. طلاق بر مبنای عسر و حرج

خشونت جسمانی و روانی می‌تواند از دلایل احراز عسر و حرج باشد. ضرب و جرح مکرر، تهدید شدید، حبس خانگی، تحقیر مستمر، اجبار و محرومیت اقتصادی ممکن است ادامه زندگی را تحمل‌ناپذیر کنند. دادگاه باید وضعیت را به صورت مجموعی ارزیابی کند. ممکن است هیچ رفتار منفردی به تنهایی برای اثبات عسر و حرج کافی به نظر نرسد، اما تداوم رفتارها نشان دهد که زندگی مشترک عملاً به محیط ترس و ناامنی تبدیل شده است. نباید انتظار داشت زن برای اثبات عسر و حرج بارها در معرض صدمه قرار گیرد. یک واقعه شدید، مانند تهدید معتبر به قتل یا ضرب و جرح سنگین، می‌تواند با توجه به شرایط برای احراز مشقت غیرقابل تحمل کافی باشد.

۹-۲. سکونت جداگانه

ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی به زن اجازه می‌دهد در صورت خوف ضرر، مسکن جداگانه اختیار کند. دادگاه در مرحله حمایت موقت نباید همان میزان دلیلی را مطالبه کند که برای محکومیت کیفری ضروری است. مشکل عملی آن است که حق سکونت جداگانه، هزینه مسکن و امنیت محل را خودبه‌خود تأمین نمی‌کند. زنی که درآمد یا محل امن ندارد، ممکن است با وجود حکم قانونی ناچار به بازگشت شود. بنابراین، حمایت حقوقی باید با مسکن موقت و کمک مالی همراه باشد.

۹-۳. حضانت و ملاقات

خشونت علیه یکی از والدین ممکن است بر سلامت روانی کودک اثر بگذارد، حتی اگر کودک مستقیماً مورد ضرب و جرح قرار نگرفته باشد. مشاهده تهدید، تخریب اموال یا حمله جسمانی می‌تواند امنیت روانی کودک را مختل کند. دادگاه در تصمیم‌گیری درباره حضانت و ملاقات باید بررسی کند که آیا والد مرتکب علیه کودک یا والد دیگر خشونت کرده است، آیا کودک شاهد خشونت بوده و آیا ملاقات بدون نظارت خطر ایجاد می‌کند. وجود خشونت لزوماً در همه موارد به قطع دائمی ملاقات منجر نمی‌شود. ملاقات تحت نظارت، تحویل کودک در مکان امن، محدودیت تماس یا تعلیق موقت می‌توانند متناسب با شدت خطر اعمال شوند. معیار نهایی باید مصلحت و امنیت کودک باشد.

۹-۴. نفقه و استقلال اقتصادی

وابستگی اقتصادی یکی از دلایل ماندن قربانی در رابطه خشونت‌آمیز است. اجرای سریع نفقه، دسترسی به کمک حقوقی، مسکن موقت و فرصت اشتغال می‌تواند قدرت تصمیم‌گیری قربانی را افزایش دهد. مطالعه دباغ فکری و همکاران نشان داد موانع ساختاری و اقتصادی از عوامل اصلی تأخیر در کمک‌خواهی زنان قربانی خشونت هستند. قربانی ممکن است میان امنیت خود و تأمین نیازهای فرزندان یکی را انتخاب کند؛ انتخابی که در واقع آزادانه نیست.

۹-۵. صلح و سازش

سازش در اختلافات خانوادگی عادی می‌تواند مفید باشد، اما در خشونت شدید یا کنترل‌گرانه، توازن قدرت وجود ندارد. قربانی ممکن است به دلیل ترس از انتقام یا از دست دادن حمایت مالی، ظاهراً با سازش موافقت کند. پیش از ارجاع پرونده به میانجی‌گری باید ارزیابی خطر انجام شود. در موارد تهدید به قتل، خشونت شدید، تعقیب مستمر یا استفاده از سلاح، مواجهه مستقیم و فشار برای سازش مناسب نیست. سازش باید داوطلبانه و آگاهانه باشد. هدف مراجع نباید صرفاً مختومه کردن پرونده یا کاهش آمار طلاق باشد. حفظ امنیت قربانی و کودک بر مصالح اداری مقدم است.

۱۰. حمایت از کودکان در معرض خشونت خانگی

کودکان ممکن است قربانی مستقیم خشونت باشند یا خشونت میان والدین را مشاهده کنند. هر دو وضعیت می‌تواند آثار روانی و رفتاری ایجاد کنند. سازمان جهانی بهداشت، خشونت علیه کودکان را پدیده‌ای چندسطحی می‌داند که عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در آن نقش دارند. حمایت از کودک باید بر چند اصل استوار باشد. نخست، مصلحت کودک باید بر ادعای مالکیت یا برتری هر یک از والدین مقدم باشد. دوم، مصاحبه با کودک باید توسط فرد آموزش‌دیده و با حداقل تکرار انجام شود. سوم، کودک نباید برای انتقال پیام یا کسب اطلاعات درباره والد دیگر مورد استفاده قرار گیرد. در مواردی که خشونت شدید اثبات یا خطر آن قابل‌اعتناست، دادگاه می‌تواند ملاقات تحت نظارت یا محدودیت موقت مقرر کند. جداسازی کامل کودک از خانواده باید راهکار نهایی باشد، اما حفظ خانواده نباید به قیمت ادامه خطر انجام شود. مدارس و مراکز درمانی نیز نقش مهمی در شناسایی نشانه‌های خشونت دارند. غیبت مکرر، تغییر شدید رفتار، ترس غیرعادی، صدمات تکرارشونده و افت تحصیلی می‌توانند نیازمند بررسی تخصصی باشند. گزارش باید با رعایت محرمانگی و جلوگیری از برچسب‌زنی انجام شود.

۱۱. وضعیت لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت

تلاش برای تصویب قانون ویژه حمایت از زنان در برابر خشونت بیش از یک دهه ادامه داشته است. عنوان، ساختار و محتوای لایحه در مراحل مختلف تغییر کرده و اختلاف‌هایی درباره تعریف خشونت، دامنه جرم‌انگاری، نقش خانواده و وظایف دستگاه‌های اجرایی وجود داشته است. در ۱۱ خرداد ۱۴۰۴، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری اعلام کرد که درخواست استرداد لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت برای طی تشریفات قانونی به مجلس ارسال شده است. بالاین‌حال، بررسی پارلمانی متوقف نشد. خبرگزاری رسمی مجلس در ۲۲ دی ۱۴۰۴ گزارش کرد که کمیسیون اجتماعی، پس از رفع ایرادات، لایحه را تصویب و برای طرح در صحن علنی به هیئت‌رئیس ارسال کرده است. تصویب در کمیسیون به معنای

تصویب نهایی قانون نیست و طرح در صحن، بررسی نظارتی و انتشار رسمی همچنان ضرورت دارند. تا تاریخ نهایی‌سازی این پژوهش در تیر ۱۴۰۵، در منابع رسمی بررسی‌شده، قانون جامع و لازم‌الاجرائی که تمام ابعاد خشونت خانگی، دستورهای فوری، خدمات حمایتی و هماهنگی نهادی را به‌صورت یکپارچه پوشش دهد مشاهده نشد. بنابراین، حمایت از قربانیان همچنان عمده‌تأ بر مقررات پراکنده قانون مدنی، قانون حمایت خانواده، قوانین کیفری و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان استوار است. طولانی شدن فرایند تقنینی نشان می‌دهد که مسئله فقط تعیین مجازات نیست. قانون باید میان حمایت مؤثر از قربانی، رعایت حقوق دفاعی متهم، جلوگیری از جرم‌انگاری اختلافات عادی، مصلحت کودک و حفظ امکان بازتوانی خانواده در موارد مناسب تعادل برقرار کند.

۱۲. رویکرد حقوق بین‌الملل و معیارهای قابل استفاده

اعلامیه رفع خشونت علیه زنان، خشونت را شامل رفتارهایی می‌داند که موجب یا محتمل است موجب آسیب جسمانی، جنسی یا روانی شوند و تهدید، اجبار و محرومیت خودسرانه از آزادی را نیز دربرمی‌گیرد؛ خواه این رفتارها در فضای عمومی و خواه در فضای خصوصی رخ دهند. اهمیت اسناد بین‌المللی برای حقوق ایران در آن است که می‌توانند الگوهای سیاست‌گذاری و شیوه‌های حمایت را نشان دهند، نه اینکه بدون توجه به نظام فقهی و حقوقی ایران عیناً اجرا شوند. مهم‌ترین درس‌های تطبیقی عبارت‌اند از: نخست، تعریف خشونت باید علاوه بر صدمه جسمانی، خشونت روانی، اقتصادی و رفتار کنترل‌گرانه را پوشش دهد. دوم، دستور حمایتی باید مستقل از محکومیت کیفری و با هدف پیشگیری صادر شود. سوم، خدمات حقوقی، پزشکی، روان‌شناختی و اجتماعی باید هماهنگ باشند. چهارم، رسیدگی به خشونت خانگی باید کودک‌محور و مبتنی بر ارزیابی خطر باشد. پنجم، قربانی نباید برای حفظ خانواده به سازش اجباری وادار شود. این معیارها با اصول کرامت، لاضرر، حفظ نفس و مصلحت کودک در فقه و حقوق ایران قابل جمع‌اند.

۱۳. ارزیابی خلأهای نظام حقوقی ایران

۱۳-۱. فقدان تعریف جامع

قوانین ایران تعریف واحدی از خشونت خانگی ارائه نمی‌کنند. در نتیجه، خشونت غالباً با ضرب و جرح شدید برابر دانسته می‌شود و خشونت روانی، اقتصادی و دیجیتال کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۱۳-۲. نبود دستور حمایتی ویژه

نظام موجود مجموعه روشن و کاملی از دستورهای منع تماس، منع نزدیک شدن، خروج موقت مرتکب از منزل و حفاظت از محل کار یا تحصیل قربانی ندارد. دستور موقت در حقوق خانواده بخشی از نیازها را پوشش می‌دهد، اما برای مدیریت خطر خشونت طراحی نشده است.

۳-۱۳. پراکندگی نهادی

قربانی ممکن است برای یک مجموعه رفتار به دادگاه خانواده، دادسرا، پزشکی قانونی، سازمان بهزیستی و مرکز مشاوره مراجعه کند. این پراکندگی موجب تکرار اظهارات و احتمال تصمیم‌های ناسازگار می‌شود.

۴-۱۳. دشواری اثبات

محدود کردن اثبات به شاهد مستقیم یا صدمه پزشکی، با ماهیت پنهان خشونت خانگی سازگار نیست. نظام ادله باید امکان ارزیابی مجموعه قرائن را فراهم کند.

۵-۱۳. ضعف خدمات اجتماعی

حکم قضایی بدون مسکن، حمایت مالی، مراقبت از کودک و دسترسی به وکیل ممکن است فاقد اثر عملی باشد. خدمات حمایتی باید جزء نظام مقابله با خشونت باشند، نه اقدامی حاشیه‌ای.

۶-۱۳. حمایت ناکافی در دوره پس از جدایی

خشونت ممکن است پس از ترک منزل یا طلاق ادامه یابد. تعقیب، تهدید، انتشار اطلاعات خصوصی و سوءاستفاده از ملاقات کودک برای کنترل همسر سابق نیازمند پاسخ قانونی مشخص‌اند.

۷-۱۳. فشار برای سازش

نگاه سازش‌محور بدون ارزیابی خطر ممکن است قربانی را در معرض خشونت بیشتر قرار دهد. سازش باید گزینه‌ای داوطلبانه باشد، نه شرط برخورداری از حمایت.

۱۴. پیشنهادهای تقنینی و قضایی

۱-۱۴. تصویب قانون جامع خشونت خانگی

قانون باید از همه قربانیان، از جمله زنان، مردان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت حمایت کند و در عین حال نسبت به آسیب‌پذیری خاص زنان و کودکان حساس باشد. تعریف قانونی باید اشکال جسمانی، روانی، جنسی، اقتصادی، اجتماعی و دیجیتال را پوشش دهد و میان اختلاف معمول و خشونت تمایز برقرار کند.

۲-۱۴. ایجاد دستورهای فوری حمایتی

دادگاه باید بتواند بر اساس خطر قابل‌اعتنا، دستورهای زیر را صادر کند:

۱. منع تماس تلفنی، حضوری یا اینترنتی؛

۲. منع نزدیک شدن به قربانی؛

۳. خروج موقت مرتکب از محل سکونت؛

۴. منع مراجعه به محل کار یا تحصیل قربانی؛

۵. تحویل مدارک و وسایل ضروری؛

۶. تعیین موقت حضانت و ملاقات تحت نظارت؛

۷. پرداخت موقت نفقه و هزینه مسکن؛

۸. منع تخریب، انتقال یا مخفی کردن اموال؛

۹. حفاظت از نشانی و اطلاعات شخصی قربانی.

دستور اولیه باید سریع و برای مدت محدود صادر شود و سپس با رعایت حق دفاع طرفین مورد بازبینی قرار گیرد.

۳-۱۴. تشکیل شعب تخصصی

در دادگاه‌های خانواده و دادرها باید واحدهای تخصصی خشونت خانگی تشکیل شود. قضات، ضابطان، مددکاران و پزشکان این واحدها باید درباره الگوهای خشونت، تروما، ارزیابی خطر، خشونت اقتصادی و مصاحبه با کودکان آموزش ببینند.

۴-۱۴. هماهنگی میان مراجع

دادگاه خانواده، دادر، پزشکی قانونی، سازمان بهزیستی، مراکز درمانی و مدارس باید سازوکار مشخصی برای ارجاع و تبادل اطلاعات ضروری داشته باشند. تبادل اطلاعات باید محدود، هدفمند و محرمانه باشد. ایجاد هماهنگی نباید به افشای بی‌ضابطه اطلاعات قربانی منجر شود.

۵-۱۴. اصلاح قواعد اثبات

قانون باید ارزش و نحوه بررسی ادله دیجیتال، گزارش پزشکی، گزارش مددکاری، تصاویر، پیام‌ها و سوابق تماس را روشن‌تر سازد. در صدور دستور موقت، وجود خطر معقول باید کافی باشد؛ اما برای محکومیت کیفری، استاندارد اثبات و اصل برائت باید حفظ شود.

۶-۱۴. تقویت حمایت اقتصادی

اجرای سریع نفقه، کمک‌هزینه اضطراری، مسکن موقت، آموزش شغلی و امکان نگهداری کودک، برای خروج ایمن از رابطه ضروری‌اند. حمایت اقتصادی نباید منوط به طلاق یا محکومیت نهایی مرتکب باشد؛ زیرا قربانی در مرحله نخست گزارش بیش از هر زمان به حمایت نیاز دارد.

۷-۱۴. تنظیم میانجی‌گری

پیش از ارجاع به میانجی‌گری باید غربالگری خشونت انجام شود. در پرونده‌های پرخطر، مواجهه مستقیم و سازش اجباری نباید انجام شود. قربانی باید به مشاوره حقوقی مستقل دسترسی داشته باشد و بتواند بدون از دست دادن حمایت، میانجی‌گری را رد یا متوقف کند.

۸-۱۴. حمایت تخصصی از کودکان

مشاهده خشونت شدید باید در ارزیابی سلامت روان و مصلحت کودک مورد توجه قرار گیرد. مصاحبه با کودک باید توسط متخصص و با حداقل تکرار انجام شود. ملاقات تحت نظارت و تحویل کودک در مکان امن باید در موارد ضروری قابل اجرا باشد.

۹-۱۴. بازتوانی مرتکبان

در کنار مجازات، برنامه‌های درمان اعتیاد، کنترل خشم، اصلاح رفتارهای کنترل‌گرانه و آموزش والدگری می‌توانند در موارد مناسب اجرا شوند. بازتوانی نباید جایگزین مسئولیت کیفری یا وسیله فشار بر قربانی برای بازگشت به رابطه باشد. میزان موفقیت برنامه باید به وسیله متخصصان ارزیابی شود.

۱۰-۱۴. جمع‌آوری داده‌های معتبر

نهادهای مسئول باید آمار ناشناس درباره نوع خشونت، رابطه مرتکب و قربانی، نتیجه پرونده، تکرار شکایت، حضور کودکان و خدمات ارائه‌شده جمع‌آوری کنند. تفاوت میان آمار شکایت، مراجعه درمانی، پرونده قضایی و برآورد پیمایشی باید در انتشار داده‌ها توضیح داده شود.

۱۵. بحث

تحلیل مقررات نشان می‌دهد که حقوق ایران فاقد هرگونه حمایت از قربانی خشونت نیست. قانون مدنی، قانون حمایت خانواده، قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، هرکدام بخشی از مسئله را پوشش می‌دهند. مشکل اصلی پراکندگی، کندی و نبود ارتباط نظام‌مند میان این حمایت‌هاست. مبانی فقهی نیز با حمایت مؤثر از قربانی سازگارند. کرامت انسانی، حسن معاشرت، لاضرر، عسر و حرج، حفظ نفس و مصلحت کودک، می‌توانند پشتوانه اقدامات پیشگیرانه و حمایتی باشند. بنابراین، تصویب قانون جامع لزوماً به معنای فاصله گرفتن از فقه نیست؛ بلکه می‌تواند صورت‌بندی منظم اصول پذیرفته‌شده فقهی در برابر مسائل جدید باشد. از سوی دیگر، جرم‌انگاری گسترده و مبهم نیز راه‌حل مناسبی نیست. قانون باید میان رفتار مجرمانه، سوءرفتار مدنی و اختلاف معمول تفاوت بگذارد. اصل تناسب، حق دفاع و منع محکومیت بدون دلیل کافی باید رعایت شوند. رویکرد مطلوب، رویکردی چندسطحی است. در خطر شدید، حمایت فوری و تعقیب کیفری ضرورت دارد. در موارد کم‌خطرتر، دستور حمایتی، خدمات اجتماعی، نظارت و بازتوانی ممکن است مؤثر باشند. در همه موارد، تصمیم باید بر اساس شدت خطر، سابقه رفتار، نیاز قربانی و مصلحت کودک اتخاذ شود. حفظ خانواده نباید صرفاً با ادامه رسمی نکاح سنجیده شود. ممکن است پایان دادن به یک رابطه خشونت‌آمیز، بیش از استمرار ظاهری آن با حمایت از خانواده و کرامت انسان سازگار باشد. در مقابل، هر اختلاف نیز نباید به جدایی یا مجازات کیفری منجر شود. نظام حقوقی باید امکان اصلاح رابطه سالم را فراهم کند، اما امنیت قربانی را قربانی حفظ ظاهر خانواده نسازد.

۱۶. نتیجه‌گیری

خشونت خانگی پدیده‌ای چندبعدی است که حقوق خانواده، حقوق کیفری، سلامت عمومی، حمایت اجتماعی و حقوق کودک را به یکدیگر پیوند می‌دهد. این خشونت به صدمه جسمانی محدود نیست و رفتارهای روانی، اقتصادی، جنسی، اجتماعی و دیجیتال را نیز دربرمی‌گیرد. حقوق ایران ابزارهای مهمی مانند حسن معاشرت، سکونت جداگانه در صورت خوف ضرر، طلاق بر مبنای عسر و حرج، حمایت از استقلال مالی زن، رعایت مصلحت کودک و جرم‌انگاری ضرب و جرح و تهدید در اختیار دارد. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز امکان مداخله در وضعیت‌های مخاطره‌آمیز کودک را تقویت کرده است. با این حال، نبود تعریف جامع، فقدان دستورهای حمایتی ویژه، پراکندگی نهادی، دشواری اثبات، محدودیت خدمات اجتماعی و فشار برای سازش، اثربخشی حمایت‌ها را کاهش داده‌اند. وضعیت طولانی و نامعین لایحه حمایت از زنان نیز ضرورت تعیین تکلیف تقنینی مسئله را نشان می‌دهد. فقه امامیه ظرفیت لازم برای اصلاح وضعیت را فراهم می‌کند. کرامت انسان، قاعده لاضرر، نفی عسر و حرج، حسن معاشرت، حفظ نفس و مصلحت کودک، اصولی هستند که حمایت پیشگیرانه و قضایی از قربانی را توجیه می‌کنند. تصویب قانون جامع خشونت خانگی، ایجاد دستورهای فوری، تشکیل شعب تخصصی، اصلاح قواعد اثبات، توسعه حمایت اقتصادی، تنظیم میانجی‌گری و هماهنگی میان نهادها، مهم‌ترین اصلاحات مورد نیازند. معیار موفقیت نظام حقوقی نباید فقط تعداد ازدواج‌هایی باشد که از نظر رسمی ادامه یافته‌اند. معیار اصلی آن است که آیا اعضای خانواده می‌توانند بدون ترس، تحقیر، اجبار و خشونت زندگی کنند و در صورت مواجهه با خطر، به حمایت سریع، عادلانه و مؤثر دسترسی داشته باشند.

منابع

منابع فارسی و قانونی

۱. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۰۷). قانون مدنی، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۲. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با اصلاحات سال ۱۳۶۸.
۳. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۵). قانون مجازات اسلامی، کتاب پنجم: تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۴. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۱). قانون حمایت خانواده.
۵. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). قانون آیین دادرسی کیفری، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۶. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی، با اصلاحات و الحاقات بعدی.
۷. جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.
۸. هیئت وزیران. (۱۴۰۰). آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان.
۹. خبرگزاری خانه ملت. (۱۴۰۴، ۲۲ دی). تصویب لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در کمیسیون اجتماعی.
۱۰. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات. (۱۴۰۴، ۱۱ خرداد). استرداد لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت.
۱۱. قرآن کریم. سوره‌های اسراء، نساء و روم.
۱۲. شیخ‌بهای، ج. م.، بهرامی‌نژاد، ع.، و بهرامی خوشکار، م. (۱۴۰۰). تحلیل مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری خشونت علیه زنان. حقوق پزشکی، ۱۵ (ویژه‌نامه نوآوری حقوقی)، ۱۶۳-۱۴۷.
۱۳. نادری انارکی، م.، و شهابی‌راد، ه. (۱۴۰۳). بررسی فقهی و حقوقی خشونت خانگی علیه زنان و حق طلاق با تأکید بر قوانین ایران. در نوزدهمین کنفرانس ملی حقوق، علوم اجتماعی و انسانی، روانشناسی و مشاوره. شیروان، ایران.
۱۴. سیفی، آ. (۱۳۹۹). کودکان و خشونت خانگی با تأکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و اسناد بین‌المللی. مطالعات جنسیت و خانواده، ۸ (۲)، ۱۸۹-۱۴۹.
۱۵. شریعتی، ا.، رجایی، ف.، احمدی، ف.، و حجازی، ز. س. (۱۴۰۲). خشونت خانگی زوج علیه زوجه (مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق موضوعه با تأکید بر لایحه پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار). زن در توسعه و سیاست، ۲۱ (۳)، ۵۷۱-۵۸۸.
۱۶. شیخ‌بهای، ج. م.، بهرامی‌نژاد، ع.، و بهرامی خوشکار، م. (۱۴۰۰). تحلیل مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری خشونت علیه زنان. حقوق پزشکی، ۱۵ (ویژه‌نامه نوآوری حقوقی)، ۱۶۳-۱۴۷.

منابع انگلیسی

17. Dabagh Fekri, S., Khoshnevis, N., Zareiyan, A., Kheirkhahi, E., Behboodi Moghadam, Z., & Namazi, M. (2025). Breaking the silence: Barriers to help-seeking among female victims of

- domestic violence in Ardabil, Iran—A qualitative study. PLOS ONE, 20(7), e0326998. doi:10.1371/journal.pone.0326998
18. Ghaffarihosseini, F., Jalali Nadoushan, A. H., Alavi, K., & Bolhari, J. (2021). Supporting the victims of domestic violence in Iran: Two decades of effort. *Journal of Injury and Violence Research*, 13(2), 161–164. doi:10.5249/jivr.v13i2.1638
19. Hajnasiri, H., Ghanei Gheshlagh, R., Sayehmiri, K., Moafi, F., & Farajzadeh, M. (2016). Domestic violence among Iranian women: A systematic review and meta-analysis. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 18(6), e34971. doi:10.5812/ircmj.34971
20. Manzouri, L., Seyed-Nezhad, M., Rajabi-Vasokolaei, G., et al. (2025). Factors affecting domestic violence against women in Iran: A scoping review. *BMC Women's Health*, 25, 231. doi:10.1186/s12905-025-03770-8
21. Raziani, Y., Hasheminasab, L., Ghanei Gheshlagh, R., Dalvand, P., Baghi, V., & Aslani, M. (2024). The prevalence of intimate partner violence among Iranian pregnant women: A systematic review and meta-analysis. *Scandinavian Journal of Public Health*, 52(1), 108–118. doi:10.1177/14034948221119641
22. Taherkhani, S., Negarandeh, R., Simbar, M., & Ahmadi, F. (2014). Iranian women's experiences with intimate partner violence: A qualitative study. *Health Promotion Perspectives*, 4(2), 230–239. doi:10.5681/hpp.2014.030
23. United Nations General Assembly. (1993). Declaration on the Elimination of Violence against Women (Resolution 48/104).
24. World Health Organization. (2025). Violence against women prevalence estimates, 2023: Global, regional and national prevalence estimates for intimate partner violence against women and non-partner sexual violence against women.
25. World Health Organization. (2026). Violence against women: Fact sheet.